

دین و دانش سیاسی

حوزه علمیه به عنوان نهادی که متکفل معارف دینی است، با معارف سیاسی چه نسبتی دارد؟ در پاسخ به پرسش مذکور و کندوکاو درباره آن، این مفروض بنیادین مورد توجه نگارنده است که اقبال و ادبار حوزه‌های علمیه به هر شاخه از دانش، درگرو و مقدار و میزان ارتباط آن رشته از دانش با امور مورد توجه دین مبین اسلام است. بنابراین، گفت‌وگو پیرامون سؤال مطرح شده در آغاز این بحث، وقتی دقیق‌تر خواهد بود که درباره مفهوم دین و ترسیم محتوا و اجزای آن اندکی درنگ کنیم.

معلم ثانی، حکیم ابونصر فارابی هنگامی که در رساله المله رابطه دین و سیاست را مورد تأمل قرار می‌دهد، دین را چنین تعریف می‌کند:

ملة (دین و آیین) عبارت است از آرا و افعال وضع شده مقید به شرایط که رئیس اول برای جمع وضع می‌کند و هدف او این است که به مدد بهره‌گیری مردمان از دین، به غرضی که در مورد آنها دارد، نائل شود و یا به کمک آنان، به غرض مشخص برسد... رئیس (اول) اگر فاضل باشد و ریاستش هم فاضله باشد، در تقدیر و ترسیم دین، خواهان آن است که هم خود و هم همه کسانی که تحت ریاستش هستند، به سعادت قصوی که سعادت حقیقی است برساند. چنین دین و آیینی لازم است فاضله باشد. و اما اگر ریاست آن رئیس، جاهلانه باشد، غرض او از وضع و ترسیم آن دین، این است که به واسطه آن جمع، به خیری از خیرات جاهلی نایل شود که آن خیر، یا خیر ضروری است که عبارت از تندرستی و سلامتی است و یا ثروت و یسار است و یا لذت و کرامت و جلالت و یا غلبه است.^(۱)

آنچه در تعریف فارابی از دین قابل توجه می‌باشد، این نکته است که همه جوامع دارای دین هستند و تفاوت تنها در نوع دین و یا به عبارت دیگر آرا و افعال آنان است. ممکن است دین، ریشه و جهت الهی داشته باشد، که در این صورت، فاصله خواهد بود و ممکن است دین الهی تحریف شده باشد یا این که اصلاً الهی نباشد که بر حسب اغراض و اهدافی که از وضع آن آرا و افعال بوده، نام جاهله، فاسقه یا ضاله به خود می‌گیرد.

دین اسلام دارای سه دسته از عناصر است:

۱. آرای نظری: مقصود، آرا و اندیشه‌هایی است پیرامون آن دسته از واقعیت‌ها که از حوزه تصرف و اراده انسانی خارج هستند. خداشناسی، فرشته‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و آخرت‌شناسی، از اهم موضوعات این بخش از دین اسلام است.

۲. آرای ارادی: مقصود از آرای ارادی، دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی است پیرامون آنچه انسان باید انجام دهد و یا نباید انجام دهد. بایدها و نبایدهای دین در عرصه زندگی اجتماعی، در همین بخش قرار می‌گیرد. بخشی از این باید و نبایدها، همان‌هایی است که امروزه در علوم سیاسی مورد تأمل و کنکاش قرار می‌گیرد. آنچه در حوزه نظام سیاسی مطلوب محل بحث است، از موضوعات اساسی مورد توجه دین اسلام نیز می‌باشد. مسأله مهم آن است که آرای ارادی بر آرای نظری مبتنی است و هر موضعی که انسان در باب آرای نظری اتخاذ کند، تأثیری مستقیم در موضع‌گیری وی نسبت به آرای ارادی نیز خواهد داشت.

۳. حوزه افعال: در دین اسلام تمام رفتارها در جهتی تنظیم شده است که انسان را در رسیدن به سعادت قصوی یاری نماید. عبادت خداوند، اطاعت از دستورات و فرامین الهی، اطاعت از فرمان‌روایان فاضل و رؤسای نیکو و نیز عدم اطاعت از فرمان‌روایان فرومایه، از جمله مهم‌ترین رفتارهایی است که در دین اسلام از مکلفین خواسته شده است.^(۲)

با توجه به آنچه آمد، می‌توان گفت تمامی علوم اجتماعی و از جمله علوم سیاسی مسبوق و مصبوغ به آرای نظری هستند. همچنین بسته به علایق افراد، نوع دانش تولید شده توسط آنها نیز متفاوت خواهد بود. در واقع، تولید دانش، بدون توجه به آرای نظری مفروض، امری است که اگر ممتنع نباشد، لااقل دشوار است. تأکید بر دخالت ارزش‌ها در تولید دانش و از جمله تقسیم دانش‌ها بر اساس علایق دانشمندان، از سوی

متفکران مختلف از جمله هابرماس، مؤید همین ادعاست. وی معتقد بود که اگر هدف انسان سلطه بر طبیعت باشد، علوم تجربی راهگشا است؛ اگر هدف، فهم متن باشد، علوم تأویلی بر صدر می‌نشیند؛ و اگر هدف، رهایی باشد، علوم انتقادی چاره ساز خواهد بود. روشن است که به این ترتیب، هر یک از دانش‌های مورد نظر هابرماس، حکمت نظری ویژه خود را دارد.

از منظر متفکران مسلمان و از جمله فارابی، رابطه وثیقی میان آرای نظری، آرای ارادی و افعال انسان وجود دارد. بنابراین، اهداف و غایات انسان‌ها از تشکیل نظام سیاسی، هر چه باشد، دانش سیاسی ویژه آن باید تولید شود؛ در غیر این صورت، هدف مورد نظر تحقق نخواهد یافت. اگر به دنبال سعادت حقیقی؛ یعنی تقرب به خدا و کسب رضایت الهی باشیم، علم سیاست فاصله به کار ما می‌آید؛ و اگر در پی سعادت پنداری باشیم، با توجه به نوع سعادت پنداری که ممکن است ثروت، لذت، کسب پرستیژ، آزادی، سلطه و ترکیبی از اینها باشد، دانش سیاسی خاصی به میدان می‌آید.

دقت در محتوای دین اسلام نشان می‌دهد که تمامی عناصر لازم برای زندگی اجتماعی و سیاسی و در نتیجه، تمامی چارچوب‌های لازم برای تولید دانش سیاسی فاصله که در خدمت نظام اسلامی باشد، در آن وجود دارد. تاریخ علوم اسلامی نیز گواهی بر این مطلب است که عالمان مسلمان در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی، به امر سیاست نیز پرداخته‌اند. متکلمان درباره رهبری جامعه به تفصیل سخن گفته و می‌گویند. فیلسوفان مسلمان، علم مدنی و وظیفه مهم آن، یعنی سعادت‌شناسی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. و فقها درباره نظام‌های سیاسی مطلوب و نامطلوب و وظایف مکلفان در قبال هر یک، به تفصیل بحث کرده‌اند. و نیز عرفا از ویژگی‌های انسان کامل و مراحل مختلف سیر به سوی خدا، گفت و گو نموده‌اند.

اکنون که به فضل و عنایت خداوند متعال، نظام اسلامی در ایران مستقر شده است، بر حوزه‌های علمیه است که تأمل درباره «زندگی سیاسی» را جدی گرفته و دانش سیاسی اسلامی را به ایران، جهان اسلام و بلکه همه جهان عرضه نمایند. مقام معظم رهبری در همین باره فرموده‌اند:

امروز اگر حق را می‌خواستیم رعایت کنیم، باید این گونه می‌بود که در زمینه همه علوم می‌تواند اندک ربطی به مسایل دینی داشته باشد، حوزه، حرف

به روز و برترین را داشته باشد.^(۳)

ارتقا و پیشرفت کشور بدون تولید دانش های بومی و اسلامی ممکن نیست. و توانایی نیز بدون دانایی ممکن نیست. مقام معظم رهبری در این باره چنین سفارش نموده اند:

علم، وسیله اقتدار است. باید علم را به دست آورد؛ چاره یی نداریم... اگر بخواهید کشور در آینده، پیشرفت و ارتقا پیدا کند، باید علم داشته باشد؛ آن هم علمی که بجوشد. چشمه علم لازم است، نه استخر علم! باید بجوشید... هیچ کس هم نمی تواند ادعا کند که علم همانی است که غربی ها به دست آورده اند و در علم بسته شد!... برادران و خواهران عزیز، برنامه ریزی کنید، کاری کنید که بیست سال دیگر در این کشور، اگر کسی استعداد علمی داشت، بتواند سری در مجموعه علمی جهان بلند کند؛ تا کشور ایران بتواند در میان مجموعه ها و جوامعی در دنیا که از این لحاظ، صاحب قضیه هستند، یکی از اصحاب قضیه باشد. الان این طور نیست! حتی در علومی که ریشه دار و سابقه داریم، حتی در علم اخلاق هم آنها بیش تر از ما کتاب نوشته و تحقیق دارند!^(۴)

انتشار فصلنامه علوم سیاسی، گامی است در جهت پرکردن خلأ مذکور در حوزه دانش سیاسی و تلاش خواهد کرد تا به تأمل درباره زندگی سیاسی از منظر: قرآن مجید، احادیث و سیره معصومین - علیهم السلام - فقها، فلاسفه، عرفا، متکلمان، مفسران و... بپردازد. بی تردید این امر بزرگ بدون یاری و همراهی فرهیختگان و فرزنانگان آشنا به دین و سیاست امکان پذیر نخواهد بود. از خداوند می خواهیم که توفیق حرکت در مسیر حق و حقیقت و مصونیت از خطا و لغزش را نصیب ما بفرماید.

پی نوشت ها:

۱- ابونصر فارابی، کتاب المله و نصوص اخری، تحقیق: محسن مهدی، (بیروت: دارالمشرق، ۱۹۸۶). رساله المله توسط محسن مهاجرنیا به فارسی ترجمه شد و پیش از این در شماره ۶ فصلنامه علوم سیاسی منتشر شده است. ترجمه مورد استفاده، از مأخذ اخیر، ص ۲۹۴ بوده است.

۲- همان.

۳- دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، (مجموعه بیانات مقام معظم رهبری پیرامون دانشگاه و دانشجوی در سال ۱۳۷۶)، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۲۴.

۴- همان، ص ۱۱۴-۱۱۵.